

خبر

پرونده آتش‌سوزی چاه ۱۴۷ روی میز کمیسیون انرژی

● دوشنبه هفته جاری علی‌کاردر، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، میهمان بهارستان است تا درباره اقدامات صورت‌گرفته و همچنین دلایل وقوع حادثه آتش‌سوزی چاه ۱۴۷ میدان نفتی رگ‌سفید گزارشی را به اعضای کمیسیون انرژی مجلس ارائه دهد. به گزارش تسنیم، ۱۳ شبانه‌روز است که چاه نفتی شماره ۱۴۷ میدان رگ‌سفید در آتش می‌سوزد. آتشی که روزانه هشت تا ۹ هزار بشکه نفت خام ایران را می‌سوزاند. آتشی که جان دو متخصص نفتی ایران را در دم گرفت و بار دیگر ضرورت توجه بیش‌ازپیش به مسائل HSE را در صنعت نفت یادآور شد. پس از یک نوبت بازدید چند نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از موقعیت چاه آتش‌گرفته نفتی در هفته جاری پرونده آتش‌سوزی این چاه به همراه اقدامات انجام‌شده برای مهار آن روی میز کمیسیون انرژی مجلس دهم قرار می‌گیرد.

ادامه از صفحه اول

دام سعودی‌ها برای ایران

جهان به‌خوبی متوجه است که عربستان در یمن چه می‌کند و چون هیچ امیدي به بازگشت صلح و امنیت در این کشور فلک‌زده وجود ندارد، اروپایی‌ها در نهان، این سیاست‌ها را محکوم می‌کنند. شاه جوان نه‌تنها مردم نگوین‌بخت یمن را تنبیه کرده بلکه از همکار سابق خود یعنی قطر هم نگذشت و له تیز تیغ خود را بر گردن این کشور نهاد تا شاید تسلیم خواسته‌های او شود ولی حمایت‌های ایران و ترکیه به قدر کمک کرد تا سرپای خود بایستد و تسلیم زورگویی‌های عربستان نشود. سناریوی درگیری با ایران در جبهه سیاسی و شاید در جبهه نظامی، آرزوی شاه جوان و اطرافیان ناپخته او بوده و هست. محمد بن‌سلمان اکنون موقعیت را بهتر از هر زمان دیگری تشخیص داده که با حمایت ظهیر زورگو و کم‌خردی مانند دونالد ترامپ و تدریوی نجره بنیامین نتانیاهو، مثلا تکلیف ایران را روشن کند. از دید محمدبن سلمان کاری که پیشینیان او مانند ملک فهد، ملک عبدالله و پدرش ملک سلمان نتوانستند انجام دهند، اکنون او می‌خواهد به نتیجه برساند. استعفاي اجباری سعد حریری به‌منظور تضعیف لبنان و حزب‌الله، مقدمه امیر است تا شاید با زدن بازوهای ایران در لبنان، سوریه، عراق، یمن و دیگر نقاط بتواند به حساب ایران برسد. پیرو دیدار پنهانی محمد بن‌سلمان از اسرائیل که برای هماهنگی بین عربستان و اسرائیل در سوریه و لبنان صورت گرفته، اخبار حاکی از این است که پس از حمله سیاسی عربستان به لبنان، اکنون اسرائیل قصد دارد با حمله نظامی لبنان را به زانو درآورد تا حزب‌الله تضعیف یا نابود شود. ایران باید پختگی، سنجدیگی و تلاش دیپلماتیک را وجهه همت خود قرار دهد و از اینکه ناخودآگاه در دام سعودی‌ها بیفتد، ریزه‌بین کند. به نظر می‌رسد سازوکار جهانی و منطقه‌ای این‌بار به شکل جدی‌تری، در آرزوی تعرض به ایران و کاهش نقش و نفوذ آن در خاورمیانه است.

به نام سعادت مردم

زیرا می‌بینم که با تشکیل جبهه ملی یک صف منظم و قوی که مظهر اراده جامعه ایرانی است، به وجود آمده است. دیگر برای کسانی که بذر نفاق و جاسوسی می‌پاشیدند و نمی‌گذاشتند عناصر مؤثر و مفید دور هم جمع شوند، امید باقی نیست و از محو افراد و ترور در تاریکی شب نتیجه‌ای نخواهند گرفت؛ زیرا چراغ اجتماع خاموش‌شدنی نیست و افکار آزاد و مترقی وزنده و پیدار آنها نخواهند مرد و هم‌فکرانشان دنبال ایده‌آل‌های پاک آنها را خواهند گرفت.»

حرف، حرف من است

از کجا معلوم که فردا روزی رابطه آمریکا با کره جنوبی به هم نخورد؟ ترامپ از فحاشی به کره شمالی به‌عنوان یک اسلحه استفاده می‌کند. کاری که مشت‌زنان حرفه‌ای پیش از آغاز مسابقه بوکس با حریفشان می‌کنند. از کجا معلوم روزی رابطه آمریکا با کره شمالی بهبود نیاید و دیگر حرفی از این فحاشی‌ها نباشد؟ این اصلا در دنیای ترامپ، غیرممکن نیست. تماشای این سخنرانی می‌تواند برای هر مخاطبی، آموزنده باشد.

واقعیت‌ها از زبان زنانی که هنوز هستند

در ایـن صورت زن اصلا وجود خارجی و عینی ندارد و صرفا در خواسته‌های مرد حل می‌شود. • نمی‌توان به زن و با اجبار کسری را باحجاب کرد. من در این باره با امام هم ملاقات کردم و اعتراض کردم. اما نمی‌توانم جزیات را بگویم. • من در مورد رئیس‌جمهورشدن زنان، حتی نزد امام رحمت‌الله علیه رقتم، امام گفت شما خودتان نماینده هستید بگویید چه باید کرد؟ • در جامعه ما بسیاری برای زن ارزشی قائل نیستند پس ناچاریم بر حقوق زنان تأکید خاصی داشته باشیم. اگر در جامعه هیچ تبعیضی نباشد نیازی بر اصرار بر حقوق یک گروه خاص نیست ولی تا زمانی که به این شرایط نرسیده‌ایم باید بر حقوق زنان تأکید کرد.

اقتصاد

روحانی و برادران لاریجانی برای تشکیل و تفکیک برخی وزارتخانه‌ها توافق کردند

توافق ۳ رئیس



شود که تنها به امورات مربوط به روستاهای کشور رسیدگی کند و حوزه عملکردش به این بخش معطوف باشد. علاوه‌براین، سازمان محیط زیست و همچنین منابع طبیعی و بخش آب آب‌وفضلاب شهری و روستایی و آب منطقه‌ای یک وزارتخانه دیگری را تشکیل دهند. دیگر اینکه وزارت صنعت، معدن و تجارت به دو وزارتخانه توسعه صادرات و بازرگانی تقسیم شود و درباره وزارت ورزش و جوانان نیز حوزه جوانان از ورزش منفک و در قالب سازمان ملی جوانان به کار خود ادامه دهد.

ضرورت ارتقای ساختار مدیریت صادرات غیرنفتی

و مسائل مربوط به صادرات غیرنفتی را در همه ابعاد و بخش‌ها به صورت یکپارچه و هدفمند پیگیری کند. بنابراین ارتقای ساختار مدیریت صادرات غیرنفتی لازم هست؛ ولی کافی نیست. باید به موازات ارتقای ساختار، حمایت‌های همه‌جانبه و

هدفمند از صادرات غیرنفتی در بخش‌های مختلف در دستور کار دولت، مجلس و قوه قضائیه به‌عنوان اولویت محوری کشور قرار گیرد. صادرات غیرنفتی جنبه فرابخشی دارد. بنابراین باید کاری کنیم که هم سازمان سرمایه‌گذاری خارجی، هم مناطق آزاد و هم نهادهایی که به‌نوعی درگیر صادرات غیرنفتی هستند، در قالب یک وزارتخانه متشکل شوند. از سویی باید بهترین و مناسب‌ترین روش آن باشد که به صادرات نفتی به‌عنوان اولویت اول در اقتصاد کشور توجه کنیم؛ زیرا در این‌صورت می‌توانیم در این چارچوب و مسیر، هم از ظرفیت‌های تولیدی کشور به صورت کامل استفاده کنیم و هم به معضل اشتغال که یکی از چالش‌های اصلی کشور است، توجه کنیم. اگر برنامه‌های پنج‌ساله توسعه را مرور کنیم، خواهیم دید، موضوع صادرات موضوع مورد توجه برنامه‌ها بوده و در دستور کار دولت‌ها هم قرار داشته؛ اما در عمل به اهداف مدنظر نرسیده‌ایم؛ بنابراین برای اینکه صادرات غیرنفتی تبدیل به یک اصل پذیرفته‌شده در همه بخش‌ها و یک مبنای ملی شود، همه باید تلاش منسجم و هدفمند داشته باشند. در این راستا حتما باید جایگاه ساختاری صادرات غیرنفتی نه‌تنها به‌عنوان یک وزارتخانه بلکه به‌عنوان یک معاونت بسیار مهم ریاست‌جمهوری ارتقا پیدا کند تا بتواند مسائل صادرات را در بخش‌های مختلف از منظر رئیس‌جمهور پیگیری کند و بتواند مشکلات



محمود دودانگه
معاون سابق برنامه‌ریزی وزارت بازرگانی

در شرایط فعلی، با بررسی دقیق و علمی درباره چالش‌هایی که اقتصاد ایران با آن درگیر است، خواهیم دید یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ما آن است که ظرفیت تولیدی بسیار گسترده داریم؛ اما این ظرفیت‌ها امکان فروش ندارند. طبیعتا بازار داخلی هم برای اینکه این حجم از تولیدات را جذب کند، وجود ندارد. اگر این نگاه را داشته باشیم، شاید بهترین و مناسب‌ترین روش آن باشد که به صادرات نفتی به‌عنوان اولویت اول در اقتصاد کشور توجه کنیم؛ زیرا در این‌صورت می‌توانیم در این چارچوب و مسیر، هم از ظرفیت‌های تولیدی کشور به صورت کامل استفاده کنیم و هم به معضل اشتغال که یکی از چالش‌های اصلی کشور است، توجه کنیم. اگر برنامه‌های پنج‌ساله توسعه را مرور کنیم، خواهیم دید، موضوع صادرات موضوع مورد توجه برنامه‌ها بوده و در دستور کار دولت‌ها هم قرار داشته؛ اما در عمل به اهداف مدنظر نرسیده‌ایم؛ بنابراین برای اینکه صادرات غیرنفتی تبدیل به یک اصل پذیرفته‌شده در همه بخش‌ها و یک مبنای ملی شود، همه باید تلاش منسجم و هدفمند داشته باشند. در این راستا حتما باید جایگاه ساختاری صادرات غیرنفتی نه‌تنها به‌عنوان یک وزارتخانه بلکه به‌عنوان یک معاونت بسیار مهم ریاست‌جمهوری ارتقا پیدا کند تا بتواند مسائل صادرات را در بخش‌های مختلف از منظر رئیس‌جمهور پیگیری کند و بتواند مشکلات



کمال اطهاری
پژوهشگر اقتصاد توسعه

یکی از عجیب‌ترین تصمیماتی که در دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد گرفته شد، ادغام دو وزارت راه و ترابری و وزارت مسکن و شهرسازی بود. در این سال‌ها بارها و بارها بدنه کارشناسی کشور بر غلط‌بودن این ادغام تأکید کرده و خواستار بازگشت به وضعیت سابق شده که امیدواریم این تفکیک صورت پذیرد. اصولا از ابتدا طرح ادغام آن دو وزارتخانه اشتباه بود، زیرا مسکن و شهرسازی مقوله‌ای توسعه‌ای راه و ترابری مقوله‌ای مهندسی است که دو شیوه متفاوت برخورد و مدیریت را می‌طلبد. شهر محل زندگی،

تشکیل وزارت انرژی، یک ضرورت است

بحث شده است اما تاکنون عملیاتی نشده که آسیب‌هایی را به همراه داشته است. پس محرز است که مجموعه سیاست‌های انرژی یک کشور را باید یک مجموعه واحد تعیین کنند و وقتی این تصمیم‌گیری بین چند نهاد تقسیم می‌شود، باعث ایجاد تداخل خواهد شد. برای مثال وقتی بحث صادرات برق مطرح می‌شود، این ادعا را می‌توان در وزارت نفت طرح کرد که گاز ارزان‌قیمتی که در اختیار تولید برق قرار گرفته منجر به این صادرات شده است و منفک بودن مراکز تصمیم‌گیری در این‌بار به نتیجه واحدی نخواهند رسید. از طرفی ساختار مدیریت انرژی در کشور نیز با گذشت سال‌ها دچار دگرگونی شده است. برای مثال در گذشته از آنجا که نیروگاه‌های آبی در کشور فعال بوده‌اند، بحث مدیریت آب کشور به وزارت نیرو واگذار شده است اما امروز آب به‌تنهایی یک مسئله مهم در کشور است و به نظر لازم است که یک وزارتخانه مستقل به بحث آب کشور رسیدگی کند و اهمیت آن وزارتخانه کمتر از وزارت نفت و انرژی و... نیست. پس جمع‌بندی حوزه‌های انرژی در یک وزارتخانه اقدامی لازم و منطقی است که امیدوارم اتفاق بیفتد.



نرسی قربان
کارشناس اقتصاد انرژی

تشکیل وزارتی تحت عنوان وزارت انرژی اتفاق مبارکی است. در همه جای جهان تصمیم‌گیران در حوزه‌های مختلف انرژی یک مجموعه واحد هستند، زیرا همه این حوزه‌ها به هم وابسته و مرتبط هستند و عدم هماهنگی بین تصمیمات هر حوزه به ایجاد مشکلاتی در بخش دیگر خواهد انجامید. امروز ما در کشور براساس سنتی تاریخی، وزارتی با عنوان نفت داریم؛ درحالی‌که بیش از ۷۰ درصد سبد انرژی کشور را گاز تشکیل می‌دهد. این مثال به‌خوبی نشان می‌دهد که سازوکار مدیریت انرژی ما بر پایه سنت‌هایی شکل گرفته که امروز تغییر کرده‌اند. بهترین سناریو برای آینده این است که وزارتی تحت عنوان انرژی تشکیل شود و معاونت‌های مختلفی مانند معاونت نفت، معاونت گاز، معاونت برق و معاونت انرژی‌های تجدیدپذیر داشته باشد. اگرچه سال‌هاست درباره اجرای چنین راهکاری

اقتصاد

روحانی و برادران لاریجانی برای تشکیل و تفکیک برخی وزارتخانه‌ها توافق کردند

توافق ۳ رئیس

این تغییرات ساختاری، شک و شبهه‌های کارشناسی هم دارد. مشخص نیست در زمانی که دولت تا این اندازه در پرداخت حقوق و مزایای کارکنان خود و همین‌طور پرداخت یارانه‌ها، وام‌اندۀ، چرا باید به جای کوچک‌کردن حجم خود به‌عنوان هدفی که در همه برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و همین‌طور سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، مورد تأکید بوده، به بزرگ‌کردن اندازه خود سرگرم شود! این همان موضوعی است که وقتی محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت یازدهم، پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری در قالب کلیات برنامه ششم مطرح کرده بود، مورد هجمه بسیار گسترده کارشناسان قرار گرفت و عقب‌نشینی از آن، تنها اقدامی بود که دولت توانست در آن روزها در دستور کار خود قرار دهد.

حالا عزیزی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، خبر داده قرار است این تغییرات بنیادین در کمیسیون اقتصادی بررسی شود و کمیسیون باید تا قبل از بررسی بودجه این موضوع را در صحن علنی برای تصویب ارائه دهد. شاید اگر این موضوع در صحن علنی پس از نقد و بررسی‌های کارشناسی مطرح شود، بتوان به لغو یا حداقل اصلاحاتی در آن امید داشت؛ باین‌حال تا این لحظه آنچه از شواهد امر پیداست، گیر کار، بررسی این موضوع در صحن علنی مجلس است که به نظر نمی‌رسد با توافقی که بین سران قوا شکل گرفته، به شکل خاصی بربخورد.

نیازمند تغییر تفکر هستیم نه ایجاد ساختار جدید

ساختاری مثل شورای عالی آب داریم اما در شورای عالی آب، همه ذی‌نفعان حضور ندارند. به همین خاطر نمی‌توانید کشاورز را به مصرف بیش از حد آب متهم کنید. حتما کشاورزان برای این مطلب پاسخ‌هایی دارند. حتما می‌گویند با کدام منابع مالی باید به سراغ سیستم‌های مدرن کشاورزی بروند. همه این حرف‌ها باید یکپارچه بررسی شود و مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب در کشور ایجاد شود. عدم مدیریت یکپارچه سبب شده پروژه‌های سدسازی در مظان اتهام قرار بگیرند، ضرورتی‌که وقتی یک سازه ساخته می‌شود، روز اول مهندس مشاور س، قلابه زیست‌محیطی را محاسبه کرده است، حقابه کشاورزی و مقدار قابل بهره‌برداری برای شرب و صنعت هم محاسبه شده است اما به دلیل اینکه در تخصیص‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان شورای عالی آب، مجموعه‌هایی نظیر تشکل‌های خصوصی کشاورزی و صنعت آب حضور ندارند، تصمیمات پشت درهای بسته اتخاذ می‌شود. همیشه راه حل محیط زیست صرف‌نظر می‌شود و وضعیت تالاب‌ها و دریاچه‌های ما به شرایط امروز می‌رسد. بنابراین، ایجاد یک ساختار جدید، شرط لازم و کافی نیست. مهم انگیزه و تفکر پشت ماجراست که می‌تواند مسائل را سامان دهد. اگر با همین ساختارهای اداری موجود، تفکر گفتمان ملی بر پایه آب شکل بگیرد، می‌توان برای حل همه مشکلات برنامه‌ریزی کرد. اما اگر وزارتخانه عریض و طویلی شکل بگیرد و ساختارهای استانی، استخدام پرسنل و هزینه‌های گزاف بزرگ‌شدن دولت به کشور تحمیل شود، در مقابل، گفتمان نباشد، یک چرخ پنجم به سیستم اضافه و مشکلات را بیشتر کرده‌ایم.



رضا حاج‌کریم
معاون هیئت‌مدیره قدراسیون صنعت آب

در کشور، ساختار کم نداریم. اصولا یکی از خصوصیات تفکر دولتی این است که برای هر موضوعی نیاز به ساختار جدید دارد. اگر موقعیت موجود را در نظر بگیریم که خاورمیانه در افق ۲۰۵۰ به حدود ۶۰ درصد آب، بیش از آنچه امروز موجود است، نیاز خواهد داشت، به این نتیجه می‌رسیم که در سطح کشور، به جای ساختار جدید نیازمند گفت‌وگوی ملی بر پایه آب هستیم. اتفاقاتی که تاکنون در حوزه آب افتاده است، حتی در ۵۰ سال اخیر، به‌خصوص بعد از دوره اصلاحات ارضی و اتفاقات آن مقطع، تصمیم‌گیری بدون حضور همه ذی‌نفعان بوده است. دولت به‌مثابه نهاد حاکمیت تصمیم‌گیری کرده است. بدون اینکه ذی‌نفعان شامل کشاورزان، تشکل‌های زیست‌محیطی، زنجیره‌های صنعت آب و فعالان این صنف را در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دهد. نتیجه‌اش این شده که امروز گروهی، گروه دیگر را به فعالیت‌های سدسازی متهم می‌کند و در مقابل نیز گروهی متهم به عدم درک واقعیت می‌شوند. در چنین شرایطی این گفتمان شکل نمی‌گیرد. تشکیک وزارتخانه اگر بتواند این گفتمان ملی را شکل دهد و ما را به سمت گفتمان خوب با رعایت اصول حکمرانی مناسب سوق دهد، امر بسیار مبارکی است. اما با توجه به وضعیت برداشت از ذخایر استاتیک آب، دیگر فرصت اشتباه مجدد نداریم. درحال‌حاضر

انتقال از یک قیم به قیمی دیگر

نظارت پیش‌بینی شده، مشکلات مربوط به این حوزه حل شود؛ وگرنه صرف واگذاری سازمان شهرداری‌ها به وزارت مسکن باعث افزایش مشکلات هم خواهد شد. درحال‌حاضر وزارت کشور از طریق سازمان شهرداری‌ها رابط بین شهرداری و دولت است تا مواردی مانند امور مالیاتی از این طریق پیگیری شود، اموری که وزارت مسکن توانایی چندانی برای ایجاد هماهنگی لازم از این زمینه را نخواهد داشت. به نظر می‌رسد پیشنهاددهندگان این انتقال، تسلط چندانی بر امور نهادهی و فلسفه‌وفجودی آن نداشته‌اند. شهرداری‌ها بخش عمومی هستند و ربطی به وزارت مسکن و شهرسازی پیدا نمی‌کنند و این انتقال صرفا انتقال از یک قیم به قیمی دیگر است؛ بدون توجه به اینکه قیم جدید توانایی کمتری نسبت به قیم قبلی برای ایجاد ارتباط بین شهرداری‌ها و دولت‌ها دارد. پس راه‌حل درست در این زمینه بازگشت به متن قانون اساسی و ایجاد شوراهای عالی استان‌ها و شهرستان‌هاست.

انسجام و تحول در روند ساماندهی روستاها



محمدحسین عمادی
مشاور وزیر جهاد کشاورزی

طرح تشکیل سازمان توسعه روستایی از دوسال پیش از سوی مجلس شورای اسلامی مطرح شده و امکان در حال بررسی است. این طرح به‌وسیله مرکز پژوهش‌های مجلس تدوین شده و هم‌اکنون در کمیسیون کشاورزی در دست بررسی است. نماینده وزارت جهاد کشاورزی نیز در جلسات مرتبط با تشکیل چنین ساختاری شرکت می‌کند. براساس این طرح قرار است که سازمانی با عنوان «سازمان توسعه روستایی ایران» تشکیل شود. این سازمان متشکل از تمام بخش‌هایی است که در ارگان‌های مختلف در زمینه توسعه روستایی فعالیت می‌کنند. مجلس با توجه به اینکه معتقد است وضع کنونی مدیریت روستاها نامطلوب بوده و باید به فکر ساماندهی این جوامع باشیم، دنبال ایجاد مجموعه‌ای مستقل و منسجم برای رسیدگی به امور توسعه روستایی است. درهمین راستا در مجلس کمیسیونی از سال ۹۳ یا ۹۴ تشکیل شد

یادداشت

از چالش تا فرصت‌سازی برای صنعت هواپیمایی

علی دادپی

● آینده سیاسی برجام درحالی ازسوی واشنگتن تهدید می‌شود که شرکت‌های هواپیمایی ایران با جدیت درحال مذاکره برای نوسازی ناوگان هواپیمایی خود هستند.
مجموع سفارش‌های شرکت‌های هواپیمایی مختلف ایران به ۳۱۲ فروند می‌رسد و ۹ فروند از این مجموع تا به حال به ناوگان ایران تحویل داده شده‌اند. گفته می‌شود که تا پایان سال جاری میلادی چهارفروند هواپیمای ایرباس ۳۲۱ دیگر به ایران‌ایر تحویل داده خواهد شد. این چهار فروند توانایی عملیاتی این شرکت را در پروازهای میان‌برد و کوتاه‌برد داخلی و منطقه‌ای افزایش چشمگیری خواهند داد. درحالی‌که خرید هواپیمای جدید دستاورد مستقیم برجام شمرده می‌شود، پیامد واقعی این موج جدید از تحول در صنعت هواپیمایی را می‌توان در تغییرات تعداد مسافران و افزایش پروازهای داخلی و خارجی دید. واقعیت‌های اقتصادی و آمار در صنعت هواپیمایی از افزایش پایدار تقاضا برای سفرهای هوایی خبر می‌دهند. در ماه‌های نخست سال جاری تعداد مسافران سفرهای هوایی در ایران در مقایسه با سال گذشته ۱۷ درصد افزایش یافته است.
فروندهای شهرهای تهران و مشهد با ۲۱ درصد و ۲۲درصدافزایش در تعداد مسافران هوایی پیش‌تاز این افزایش بوده‌اند. شرکت‌های هواپیمایی ماهان و ایران‌ایر هم هر کدام ۱۰۸۶ میلیون و ۱۰۴۸ میلیون مسافر هوایی را در خطوط بین‌المللی جابه‌جا کرده‌اند. شرکت‌های هواپیمایی آسمان، کیش‌ایر، قشم، ماهان و نفت (که این روزها کارون نامیده می‌شود) به پروازهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌قاره‌ای خود افزوده‌اند.
صنعت هواپیمایی ایران در مدت کوتاهی نشان داده است که سرمایه‌گذاری در آن کاری شایسته‌شده است و ادامه روند فعلی می‌تواند در مدت زمان اندکی این صنعت را به جایگاه شایسته منطقه‌ای‌اش برساند. در نتیجه وقتی هفته گذشته مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا به بهانه برنامه موشکی ایران تحریم‌های موجود علیه ایران را تشدید کرد، سؤال‌های زیادی درباره آینده خریدهای هواپیمایی شرکت‌های داخلی ایجاد شد. این درست است که از مجموع ۳۱۳ فروند هواپیمای سفارش‌داده‌شده فقط ۱۲۰ فروند آن به شرکت بوئینگ قرارش داده شده است. اما این هم درست است که در قریب به همه ایالات و بوئینگ هیچ مدلی در ایالات متحده نمی‌خواهد مთهم به تضعیف بوئینگ بشود؛ شرکتی که علاوه بر استخدام هزاران نفر، کارفرما و مشتری صدها شرکت آمریکایی نیز هست و پیامدهای اقتصادی هرگونه کاهش در فروش این شرکت خیلی زود در همه ایالات و شهرهای بزرگ احساس می‌شود. در نتیجه جای تعجبی ندارد که فقط یک روز پس از این تصمیم مجلس نمایندگان رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که ایالات متحده آمریکا خیال ندارد در مبادلات بازرگانی قانونی در ایران خللی ایجاد شود. در این شرایط می‌توان گفت درحالی‌که شرایط سیاسی روند رشد و توسعه صنعت هواپیمایی را تهدید می‌کنند، واقعیت‌های اقتصادی این صنعت امیدوارکننده هستند. در این وضعیت چالش اصلی شرکت‌های هواپیمایی ایرانی تبدیل شرایط مساعد اقتصادی و تقاضای رو به افزایش برای سفرهای هوایی به مزیت نسبی اقتصادی و جاذبه غیرقابل مقاومت برای سرمایه‌گذاران خارجی است. برای عبور از این چالش شرکت‌های هواپیمایی باید از الگوهای جهانی مدیریت و مدل‌های مالی پذیرفته‌شده برای ایجاد درآمد و کسب اعتبار بهره ببرند. می‌توان به تجربه خرید هواپما در دوسال گذشته رجوع کرد تا دید که با وجود شرایط مساعد سیاسی این واقعیت‌های اقتصادی تصدیق‌شده است. شرکت‌های هواپیمایی را به خرید هواپما تشویق کردند. ادامه این روند نیازمند تکیه بیشتر به واقعیت‌های اقتصادی و درنظرگرفتن آنها در پیشبرد اهداف صنعت هواپیمایی است. در سال‌های اخیر جذب اعتبار لازم و داشتن خطوط اعتباری مورد نیاز خرید هواپیمای، چالش اصلی شرکت‌های هواپیمایی در تحقق نوسازی ناوگان هوایی‌شان بوده است. شرکت‌های هواپیمایی نیازمند بازنگری در نظام مدیریت مالی خود هستند تا بتوانند مشتریان نظام جهانی بانکداری باشند و از وابستگی به بانک‌های داخلی که فاقد منابع لازم برای کمک به آنها هستند، رهایی یابند. این مهم، نیازمند تصمیم‌گیری درباره مطالبات معوقه شرکت‌های هواپیمایی و بدهی‌های انباشته‌شده ایشان به شرکت‌های دولتی مانند شرکت فروندهای کشور و شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی است؛ کاری که باید با توجه به استانداردهای نظام جهانی بانکداری صورت بگیرد تا شرکت‌های هواپیمایی بتوانند عملکرد اقتصادی و مزیت خود را در بازار منطقه‌ای به سرمایه‌گذاری در کشور ناوگانشان تبدیل کنند. هم این شرکت‌ها و هم ناظران جهانی صنعت هواپیمایی ایران می‌دانند که رویدادهای سیاسی در چهار دهه گذشته بی‌شمار بوده‌اند ولی این صنعت با وجود ایس رویدادها همواره در حال رشد بوده است و امروز بزرگ‌ترین بازار ملی هوایی خاورمیانه و آفریقای شمالی را با اختیار دارد؛ نکته‌ای که از همه جنجال‌های سیاسی مهم‌تر است و در همه مراکز تصمیم‌گیری اقتصادی جلب توجه می‌کند.

♦**دانشیار اقتصاد مدرسه بازرگانی دانشگاه ایالتی کالیتئون**